

وَقَطُّ الْحَسْبِ وَتَقَعْلُ مَا تَرِيدُ وَكَيْتُ
دَعْوَتِي سَمِعْتَهَا وَتَقَعْلُ مَا تَرِيدُ وَكَيْتُ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بروزها آخر بر هر چیز قهار است
مگاه گرفتار میشد و میدیدند کسی را که شکست بر سر او

اللَّهُمَّ لَكَ الْهَدَى عَلَى سَبِيلِكَ بَعْدَ عَمَلِكَ

ارضا با هر راهی پس بر توست هدایت و جوار رحمتی

وَمُعَافَاةً بَعْدَ خَيْرِكَ فَكَلِمًا قَدِيمَةً

و رعایت داده تو بعد از خیر تو پس هر چه مرا از حق تو

الْعَالِيَةِ فَلَمْ تَسْهَرْ وَأَزْتَكِ الْفَاحِشَةَ

عجیبی پس نه بوزاری او را و نه شرف کار تو را

فَلَمْ تَقْضُ وَوَسَّيْتُ بِالْمَسَاوِي فَلَمْ تَدَلَّ

پس رستگار نمی او را و تو را به مساوی فلان راه تو را

عَلَيْهِ كَمْ نَهَى لَكَ قَدْ أَبْتَاهُ وَأَمْرٌ قَدِيمٌ

بر او بسیار می بود از حق تو زنی از حق تو

عَلَيْهِ فَتَعَدَّ سِنَاهُ وَسَيِّئَةٌ وَخَطِيئَةٌ

آن را که تو در روزگار از حق تو زنی از حق تو

اَكْتَسَبَهَا وَخَطِيئَةٌ أَرْتَكِبُهَا كَأَنَّكَ

داده ایست از حق تو زنی از حق تو

نُظِّلَ عَلَيْهَا دُونَ النَّاطِرِ وَالْقَادِرِ عَلَى

آنگاه بر آنها نه نگاه کنده بودی و توانا بر

عَلَانِيَتِهَا فَوْقَ الْقَادِرِينَ كَأَنَّكَ عَافَيْتَهُ

آنگاه از رویان آنها بالا تر از توانا بودی عفو کردی

لَنَا حِمَامًا دُونَ إِصْبَارِهِمْ وَرَدَّ مَا دُونَ

ما را پنداره ایست نه تحمل ایستادن و سستی بر

اسْمَاعِيهِمْ فَأَجْعَلْ مَا كَشَفْتَ مِنْ عَوْرَتِهِ

و نهایی ایشان پس بر زبان او جزا

وَأَبْرِزْ رِزْقَ مَنْ خَلَّتْ مِنْ خَفِيَّتِهِ

و اعظما لنا و ز اجر عن سوء الخلق واقتراف

بر دهنده از برای ما و نه از سوء از برای ما و بر کن

وَأَعْظَمْنَا لَنَا وَزَجْرًا عَنِ سُوءِ الْخَلْقِ وَاقْتِرَافِ

خطیئته و سعيا الى التوبة الماحية والطر

خطیئته و سعيا الى التوبة الماحية والطر

المحذوفة و قريبا الوقت فيه ولا تستنار

بصوتهم و زنجیر روان و وقت آردان و ارد ساز بر

مَنْكَ أَنَا لَكَ رَاغِبُونَ وَمِنْ الذُّنُوبِ

ما را تو را خواهان و از خطیئت تو

وَأَصِلْ عَلَيَّ حَسْرَتَكَ الْيَقِينُ مِنْ طَلْقِكَ

و رسیدن بر من حسرت تو از قطع تو

ما استغفر من خطیئته و عافیت من خطیئته

بگرفت از خطیئته و عافیت من خطیئته